

استراتژی نیروی سوم و توجه به ینگه دنیا در روابط خارجی عهد ناصری

۶ شهریور ۱۳۹۵ ساعت ۱۴:۵۷

در ادبیات سیاسی ایران معاصر، توسل به یک قدرت ثالث در روابط خارجی، با عنوان استراتژی نیروی سوم یاد شده است که بر مبنای آن دولت ایران سعی خواهد نمود با گسترش و تعمیق روابط همه جانبه با یک کشور ثالث، در مقابل قدرت و نفوذ دولتهای انگلستان و روسیه قدرت بازدارندگی ایجاد نماید؛ استراتژی-ای که نقطه آغاز آن جنگهای ایران و روسیه و توسل فتحعلی شاه قاجار به دولت فرانسه بود...

جوان و تاریخ- مقالات

استراتژی نیروی سوم در روابط خارجی ایران معاصر، به عنوان یکی از اصول تاکتیکی سیاست خارجی ایران، در برهه های زمانی مختلف مورد توجه پادشاهان و دولتهای مختلف قرار گرفته است. از آنجاییکه ایران همواره تحت نفوذ و یکه تازیهای دو قدرت استعماری انگلستان و روسیه قرار داشته از اینرو بهره مندی از کمکهای دولت ثالث جهت تعدیل و متوازن سازی نفوذ دو قدرت روسیه وانگلستان، به عنوان یک اصل تاکتیکی، جهت برونرفت از بن بست سیاسی حاضر مورد استفاده قرار می گرفت. این اصل برای اولین بار در بین جنگهای ایران و روسیه و در زمان فتحعلی شاه قاجار با شروع مذکرکرات با دولت فرانسه آغاز شد. متاسفانه دولتهای مختلف ایران در استفاده از این اصل تجربه خوشایندی ندارند و اولین و آخرین تجربه کاربست این استراتژی در سیاست خارجی همواره با شکست مواجه شده است. در این نوشتار فارغ از دلایل کاربست و ارزیابی استراتژی نیروی سوم در دولتهای مختلف، توجه ایران به ایالات متحده امریکا به عنوان یک بازیگر مهم در سیاست خارجی ناصرالدین شاه قاجار را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سابقه تاریخی استراتژی نیروی سوم در روابط خارجی ایران

کشور ایران همواره به دلایل مختلف و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاص خود، به کانونی برای بازی بزرگ دولتهای اروپایی تبدیل شده بود. امپراطوری بریتانیا و تزارهای روس هر یک بنا به دلایل سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود؛ ایران را به کارزاری برای تسویه حسابهای سیاسی و نظامی خود قرار داده بودند. انگلستان برای ایجاد یک دیواره امنیتی قوی و مستحکم جهت جلوگیری از دست اندازی رقبای اروپایی و اوراسیایی به مستعمره کلیدی خود یعنی هندوستان، تزارهای روس برای دسترسی به آبهای آزاد و نزدیک شدن به هندوستان و برخی از دولتهای اروپایی نظیر فرانسه نیز جهت تحت فشار قرار دادن انگلستان در جبهه

اروپا؛ هریک سعی داشتند با نزدیکی به دولت ایران و افزایش حوزه نفوذ خود در این کشور، به اهداف و منافع خود دسترسی پیدا نمایند.^[۱] یکی از استراتژیهای موثر و قدیمی این قدرتها جهت پیشینه سازی نفوذ خود، تلاش برای کسب امتیازات اقتصادی، سیاسی و... از دولت ایران بود. در این میان دولتهای مختلف ایران نیز که از رقابت بین این دولتها به ستوه آمده بودند؛ به دنبال کاربست سیاستی بودند؛ تا با اتکاء به آن تا حدودی نفوذ قدرتهای اروپایی را تعدیل نمایند. در ادبیات سیاسی ایران معاصر از این استراتژی به عنوان استراتژی نیروی سوم یاد شده است که بر مبنای آن دولت ایران سعی خواهد نمود با گسترش و تعمیق روابط همه جانبه با یک کشور ثالث، در مقابل قدرت و نفوذ دولتهای انگلستان و روسیه قدرت بازدارندگی ایجاد نماید؛ استراتژی ای که نقطه آغاز آن جنگهای ایران و روسیه و توسل فتحعلی شاه قاجار به دولت فرانسه بود.^[۲] در دوره فتحعلی شاه این سیاست با عهدشکنی ناپلئون و انعقاد پیمان مودت و دوستی فرانسه با روسیه^[۳] منافع چندانی برای دولت ایران به ارمغان نیاورد.

ناصرالدین شاه قاجار و تمرکز سیاست خارجی ایران بر ینگه دنیا

ادامه سیاستهای توسعه طلبانه و استعماری دو دولت روسیه و انگلستان سبب تداوم استراتژی نیروی سوم در تمامی دولتهای بعد از فتحعلی شاه بود؛ به نحوی که در دوره ناصرالدین شاه بنا به پیشنهاد امیرکبیر، دولت ایران سرمایه گذاری ویژه ای روی دولت نوپا و جدید التاسیس امریکا نمود. به عبارت دیگر دامنه برنامه های اصلاحی و نوسازی امیرکبیر به حوزه دیپلماتیک نیز گشوده شد و با تاسیس سفارتخانه در کشورهای مختلف، فصل جدیدی از روابط خارجی دولت ایران با دنیای پیرامون خود شروع شد. در انتخاب امریکا به عنوان نیروی سوم عوامل مختلفی تاثیر داشتند. از یک طرف، امریکا به دلیل اینکه فاقد هرگونه سوابق منفی و استعماری در کشورهای مختلف از جمله ایران بود، حساسیت طبقات مختلف جامعه ایرانی را بر نمی انگیخت و همچنین طبق محاسبات دولتمردان ایرانی، دولت امریکا در آینده یکی از قدرتهای بزرگ و تاثیرگذار جهانی خواهد بود.^[۴]

«جیمز موریه» صاحب کتاب «حاجی بابای اصفهانی» سابقه شکلگیری اولین ارتباطات بین ایران و دولت امریکا را به زمان فتحعلی شاه قاجار می داند. به اعتقاد وی «فتحعلی شاه معتقد بود که امریکا یا ینگه دنیا محلی است در زیر کره زمین. شاه قاجار تلاش زیادی داشت تا با این کشور ارتباط برقرار نماید. فتحعلی شاه تحت تاثیر تلقینات سفیر عثمانی معتقد بود که اگر به اندازه دوپست ذرع چاه در کف زمین کنده شود، میتواند به ینگه دنیا دسترسی پیدا نمایند.»^[۵] در این راستا «میرزا ابوالحسن خان ایلیچی» نیز به عنوان اولین سفیر ایران به همراه سفیر انگلستان «سرگور اوزلی» و جیمز موریه در سال ۱۸۱۲ میلادی مسافرتهایی به قاره امریکا انجام دادند و بعد از آن نیز میرزا محمدعلی محلاتی نیز معروف به حاجی سیاح نیز از اولین مسافرانی بود که در سال ۱۲۷۵ قمری به امریکا سفر نمود.^[۶]

از مدتها پیش میسیونرهای مذهبی با ایجاد ارتباطات فرهنگی و مذهبی، اولین تعاملات دولتی و رسمی بین امریکا و ایران را شکل داده بودند و در دوران حکومت محمدشاه در سال ۱۸۳۲ میلادی، یک هیات مذهبی به ریاست مبلغان امریکایی به همراه دو کشیش آلمانی عازم ایران شد و از شهرهای اصفهان، شیراز و تهران بازدید نمودند و در شهرهایی نظیر ارومیه ارومیه شروع به تبلیغ دین مسیحیت نمودند. در دوره ناصرالدین شاه ما شاهد توسعه فعالیت میسیونرهای مذهبی در شهرهای مختلف ایران

هستیم و همزمان نیز پزشکان مسیحی، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در مناطق مختلف ایران را در دستور کار خود قرار دادند. میسیونرهای مذهبی در عین حال با تاسیس مدارس جدید ضمن کسب منافع اقتصادی، هدفهای بلند مدت فرهنگی را نیز دنبال می نمودند.^[۷] در زمان صدرات امیرکبیر در سال ۱۲۶۴ قمری، امیرکبیر تلاشهای زیادی در خصوص نظاممند نمودن سازمان روابط خارجی ایران انجام داد؛ از اینرو دستور تاسیس ساختمان سفارتخانه های ایران در کشورهای مختلف را صادر نمود. امیرکبیر جهت تعدیل نفوذ کشورهای نظیر انگلستان و روسیه، سعی داشت با توسل به کشور ثالثی که بدون هیچ چشمداشت مادی و منافع استعماری حاضر باشد از دولت ایران در مقابل بازیهای سیاسی دو رقیب سرسخت یعنی روسیه و انگلیس دفاع نماید، منافع ملی ایران را تامین نماید. امیرکبیر دولت نوپا و جدید تاسیس امریکا را که فاقد هرگونه سابقه استعماری و توسعه طلبانه ارضی بود بهترین گزینه جهت ایفای این نقش می دانست. به اعتقاد وی به دلیل فاصله جغرافیایی زیادی که امریکا از ایران دارد، این کشور نمی تواند اهداف و برنامه های استعماری از ایران داشته باشد و لذا در سال ۱۲۶۶ ق/ ۱۸۵۰ میلادی به دستور مستقیم امیرکبیر، سفیر ایران در عثمانی مامور مذاکرات سیاسی با مقامات امریکا شد.^[۸] سرانجام با تلاش مقامات سیاسی دو کشور ایران و امریکا عهدنامه مودت و

کشتیرانی بین طرفین منعقد شد. این عهدنامه با قتل امیرکبیر و کارشکنی انگلیس هیچگاه اجرایی نشد و به فراموشی سپرده شد. بعدها در زمان صدرات امین السلطان مفاد مربوط به حقوق کشتیرانی این قرارداد به انگلیسها واگذار شد.^[۹]

یکی از موضوعاتی که در زمان ناصرالدین شاه سبب توجه دوباره شاه قاجار به دولت امریکا شد؛ مساله هرات و اختلاف ایران و انگلستان بر سر آن بود. ناصرالدین شاه تلاش نمود برای تحت فشار قرار دادن انگلستان، با وزیر مختار امریکا در استانبول رابطه برقرار نماید و از اینرو میرزا قاسم خان وزیر مختار ایران در سن پترزبورگ مامور شد طی یک مذاکرات محرمانه با مقامات امریکایی درباره خرید چند فروند کشتی جنگی و استخدام ملوانان امریکایی جهت آموزش نیروی دریایی ایران به توافق برسد. سرانجام در پایان مذاکرات هیئت بلند پایه ایران به ریاست جان داود خان با هنری جکسون وزیرمختار امریکا در وین اتریش در سال ۱۸۵۶ میلادی عهدنامه ای به نام «قرارداد مودت و تجارت» بین ایران و دولت جمهوری ینگه دنیای شمالی امضاء شد.^[۱۰] اما از آنجایی که در ماده هفتم و هشتم این قرارداد بر حمایت نیروی دریایی امریکا از جزایر ایران در برابر تهاجمات و انگلیسی تاکید شده بود؛ دولت انگلستان تلاش مضاعفی جهت لغو این قرارداد صورت داد. این قرارداد در نهایت با دخالت و اعمال نفوذ مستقیم انگلیس در حذف مفاد مربوط به تعهدات نظامی و حمایتی امریکا نسبت به ایران در سال ۱۲۷۶ قمری با محوریت امورات کنسولی و بازرگانی امضاء شد.^[۱۱] از این تاریخ به بعد ما شاهد روند طبیعی و عادی روابط دو کشور ایران و امریکا هستیم؛ تا اینکه در سال ۱۳۰۰ قمری/ ۱۸۸۳ میلادی، امریکا اولین سفیر خود به نام ساموئل بنجامین را به ایران فرستاد تا موقعیت امریکا در ایران را به عنوان بازار فروشی برای محصولات خود و همچنین تامین مواد خام صنایع تولیدی خود تثبیت نماید. متعاقباً دولت ایرن نیز «حسنقلی خان معتمد الوزاره صدرالسلطنه» هفتمین پسر آقاخان اعتماد الدوله را در سال ۱۳۰۵ قمری/ ۱۸۸۸ میلادی به سفارت ایران در امریکا منصوب نمود. حسنقلی خان که علاقه زاید الوصفی به تعمیق روابط با امریکا داشت معتقد بود که ایران اگر در هر جای دنیا سفارت خود را تعطیل کند، می بایست سفارت تهران در امریکا باز باشد و به قولی فرصت رابطه با امریکا را «فوز عظیمی بداند».^[۱۲] در تداوم روابط خارجی دو کشور در برهه های زمانی مختلف، سفرای متعددی بین دو کشور تبادل شد؛ اما کماکان در طول دوره سلطنت قاجاریه، استراتژی نیروی سوم به دلایل مختلفی از جمله اعمال نفوذ شدید

انگلستان با بن بست روبرو شد و حتی در دوره سلطنت پهلوی دوم نیز توسل رضاخان به کشور آلمان هیتلری، با اولتیماتوم متفقین مبنی بر اخراج نیروهای آلمانی و اشغال ایران راه به جایی نبرد.

پی نوشتها

[۱] زینب محمدپور، «جستاری در تاریخ روابط فرهنگی و سیاسی ایران و امریکا در عهد ناصری»، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، سال چهارم، شماره سیزدهم، ۱۳۹۱، ص ۶۴

[۲] به دنبال حملات متعدد ارتش روسیه به مناطق شمالی ایران، دولت ایران برای دفع حملات روسیه، بعد از اینکه انگلستان به تقاضای کمک ایران پاسخ منفی داد؛ ناچار دولت ایران به ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه توسل جست و ناپلئون نیز که برای مقابله با انگلستان به یک متحد در منطقه نیاز داشت درخواست ایران را پذیرفت. از این رو بین طرفین، در سال ۱۱۸۶ شمسی و در زمان فتحعلی شاه قاجار عهدنامه‌ای به نام فین کن اشتاین منعقد شد. این معاهده دیری نپایید و ناپلئون بر خلاف عهد خود، پس از مدتی با روسیه طرح دوستی ریخت و مستشاران فرانسوی، ایران را ترک کردند.

[۳] در پی شکست روسیه از ناپلئون در نبردهای اروپایی، تزار روسیه از ناپلئون تقاضای متارکه جنگ نمود و با امضای معاهده دوستی در شهر تیلسیت بین دو طرف در ۸ ژوئیه ۱۸۰۷م، روابط دوستانه بین فرانسه و روسیه ایجاد شد. در این میان دولت ایران که بر اساس قرارداد فین کن اشتاین با فرانسه، خود را برای کمک به متحد خود فرانسه آماده می‌کرد، در سخت‌ترین زمان، تنها شد و ناپلئون دولت فتحعلی شاه را در برابر روسیه رها کرد. پس از امضای این عهدنامه، ارتش روسیه از جبهه اروپا رهایی یافت و تمام توانش را متوجه ایران و عثمانی گردانید.

[۴] زینب محمدپور، پیشین، ص ۶۵

[۵] جیمز موریه، «سفرنامه حاجی بابای اصفهانی»، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد یکم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰

[۶] زینب محمدپور، پیشین، ص ۶۷

[۷] مریم میراحمدی، « پژوهشی در تاریخ ایران معاصر»، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، صص ۷۶-۷۵

[۸] محمدعلی مهمید، «پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران»، تهران: انتشارات میترا، ۱۳۶۱، ص ۱۹۶

[۹] فریدون آدمیت، «امیرکبیر و ایران»، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۸، ص ۵۶۹

[۱۰] عبدالرضا هوشنگ مهدوی، «تاریخ روابط خارجی ایران»، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹، ص ۹۹

[۱۱] محمد پور، پیشین، ص ۷۵

[۱۲] ساموئل گریر بنجامین، «ایران و ایرانیان»، ترجمه حسین کردبچه، تهران: انتشارات گلبانگ، ۱۳۶۳، ص ۱۰۶

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۱۲۹/ناصری-عهد-خارجی-روابط-دنیا-ینگه-توجه-سوم-نیروی-استراتژی/>